

## شیوه‌های مؤثر نهادینه کردن حجاب در کودکان و نوجوانان

\*  
حسن خلجی

### چکیده

تربیت دینی و نهادینه کردن آموزه‌های دینی در کودکان و نوجوانان سبب مصونیت آنان از آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی می‌شود؛ زیرا دلیل بروز بسیاری از رفتارهای ناهنجار، نداشتن تربیت دینی و اخلاقی است. درونی شدن ارزش‌هایی مانند حجاب سبب مقاومت بیشتر آنان در برابر این کج‌روی‌ها می‌شود. والدین و مربیان اگر بخواهند کودکان را با حجاب آشنا و در وجود آنان نهادینه سازند، باید از کودکی و نوجوانی شروع کنند. در نظام تربیتی اسلام، آغاز تعلیم و تربیت با روش‌شناسی و بررسی شیوه‌های صحیح تربیتی، جایگاه ویژه‌ای دارد. درخت پرثمر تربیت آنگاه به بار می‌نشیند که نظریه‌های تربیتی در قالب شیوه‌های صحیح و درست به اجرا درآید. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده و در پی بیان این نکته است که روش‌های الگوآفرینی، محبت، تشویق، بصیرت‌بخشی و قصه‌گویی مؤثرترین روش‌های والدین و مربیان برای درونی کردن حجاب در کودکان و نوجوانان به شمار می‌آید.

**کلیدواژه:** کودک، نوجوان، نهادینه کردن، روش‌شناسی، تربیت دینی، حجاب، عفاف.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

آشنا کردن کودکان و نوجوانان با آموزه‌ها و ارزش‌های دینی و مذهبی، از اصول مهم تعلیم و تربیت اسلامی است و با گسترش زندگی اجتماعی، علمی و سیاسی، ضرورت آن بیشتر احساس می‌شود. عمق‌بخشیدن آموزه‌های دینی در کودکان و نوجوانان، فرزندان را از بسیاری از آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی مصون نگه می‌دارد. مناسب‌ترین زمان برای درونی کردن ارزش‌های اسلامی و تربیت دینی، دوره کودکی و نوجوانی است؛ زیرا روح آنان در این زمان انعطاف‌پذیری زیادی دارد و هرچه بزرگ‌تر شود، از این انعطاف کاسته می‌شود.

با توجه به اینکه کودک در این دوران حساسیت‌ها و لطافت‌های ویژه‌ای دارد، باید از بهترین شیوه‌های تربیتی بهره‌گرفت تا نتایج مفید و مؤثری به دست آید. بسیاری از آسیب‌هایی که به دختران و زنان وارد می‌شود به علت نداشتن حجاب و عفاف است. درونی کردن این ارزش بین دختران و زنان باعث مقاومت بیشتر آنان در برابر این انحرافات می‌شود.

از روش‌های بسیار مؤثر در تربیت، تشویق کارهای پسندیده کودکان و نوجوانان است. تشویق، راهی مناسب در ایجاد انگیزش به سوی حجاب و عفاف می‌باشد. تشویق در روح فرد اثر می‌گذارد و او را به انجام رفتار نیک برمی‌انگیزد. از دیگر شیوه‌ها، روش الگویی است؛ در این روش، فرد از دیگران سرمشق و الگو می‌گیرد و از رفتار آنها پیروی نموده، خود را با آنها همساز می‌کند.

محبت نیز از دیگر عوامل مهم جذب افراد است که اثر آن ژرف و دراز مدت می‌باشد. مربی در این مدت طولانی می‌تواند راهکارهای تربیتی خود را به کودک القا کند و تغییر رفتار را در کودک ببیند. داشتن بصیرت و آگاهی نسبت به انجام کاری، دوام و قوام آن کار را بیشتر خواهد کرد. بنابراین، بصیرت‌بخشی و روش

مؤثری برای نهادینه کردن حجاب و عفاف در کودکان و نوجوانان است. با روش قصه‌گویی می‌توان در روح کودک نفوذ کرد و با بیان قصه‌های آموزنده و جذاب، کودکان را با شخصیت‌های قصه همانند ساخت.

### ضرورت تربیت دینی در کودکان

روزی پیامبر اکرم<sup>9</sup> به کودکان نظر افکند و فرمود:

وای به فرزندان آخرالزمان از روش ناپسند پدرانشان». عرض شد: «یا رسول الله، از پدران مشرک؟» فرمود: «نه! از پدران مسلمان که به فرزندان خود هیچ یک از فرایض دینی را نمی‌آموزند و به ناچیزی از امور مادی درباره آنان قانع‌اند. من از این مردم بری و بیزارم و آنان نیز از من بیزار.<sup>1</sup>

تربیت دینی فرزند، ضروری است و کسانی که تربیت کودکان و نوجوانان خود را وظیفه خویش نمی‌دانند و بیشتر زمان خود را به امور روزمره می‌پردازند، باید منتظر پیامدهای این بی‌توجهی باشند. حضرت علی<sup>7</sup> در این باره می‌فرماید: مانند ستم‌پیشگان دوران جاهلیت نباشید که نه در پی آگاهی دینی بودند و نه در شناسایی خدا اندیشه می‌کردند، مثل تخم افعی در لانه پرندگان که شکستن آن گناه است؛ زیرا گمان می‌رود تخم پرنده باشد، ولی جوجه آن شر و زیانبار است.<sup>2</sup>

بر این اساس، می‌توان یکی از دلایل مهم آسیب‌های فردی و اجتماعی آینده افراد را بی‌توجهی و غفلت در تربیت دینی در دوره کودکی و نوجوانی دانست؛ با این استدلال که حضرت علی<sup>7</sup> درباره تربیت‌پذیر بودن کودک و نوجوان به امام

حسن<sup>7</sup> می‌فرماید: «إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ»<sup>3</sup>  
قلب نونهال مانند زمین خالی است که هر تخمی در آن افشاندن شود، می‌پذیرد».

امام صادق<sup>7</sup> درباره ضرورت و اهمیت تربیت دینی کودکان و نوجوانان  
می‌فرماید: «بَادِرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمُرْجُئَةُ»<sup>4</sup> هر چه زودتر  
معارف اسلامی را به فرزندان خود بیاموزید، پیش از آنکه منافقان با آموزش‌های  
انحرافی بر شما سبقت بگیرند».

بنابراین، کودکی را که در معرض خطر اخلاقی قرار دارد باید در ردیف  
انحرافات جوانی قرار داد؛ زیرا اگر از آن جلوگیری نشود سقوط در تبه‌کاری او  
فراهم می‌شود.<sup>5</sup> شهید مطهری (ره) به نقل از مولوی در این مورد که هر چه انسان  
بزرگ‌تر می‌شود، صفات او قوی‌تر و ریشه‌دارتر می‌گردد، می‌گوید:

مردی خاری در معبر کاشت و مردم از این بوته خار در رنج بودند. او قول داد  
که سال دیگر آن را بکند. سال بعد کار را به سال بعد واگذارد و سال‌های بعد نیز  
به همین گونه عمل کرد. درخت سال به سال ریشه‌دارتر و خارکن ضعیف‌تر  
می‌شد.<sup>6</sup> میان رشد درخت و توان خارکن نسبت معکوس برقرار بود. حالات انسان  
نیز مانند خارکن و خار است؛ صفات، روز به روز در انسان ریشه‌دارتر می‌شود و  
اراده انسان را ضعیف‌تر می‌کند. بنابراین قدرت جوان در اصلاح نفس خود، از پیر  
بیشتر است.<sup>7</sup>

سعدی نیز می‌گوید:

هر که در خوردیش ادب نکنند در بزرگی ادب از او برخاست  
چوب تر را چنانکه خواهی پیچ نشود خشک جز به آتش راست

در این ابیات، سعدی بر این عقیده است که آموختن فضایل و تربیت فرزندان  
باید از کودکی و نوجوانی آغاز شود؛ زیرا در این سن، آمادگی و صلاحیت

پذیرش تربیت در آنان به میزان کافی وجود دارد. اگر محور تربیت، عمق‌بخشی دیانت و تقوای دینی در کودکان و نوجوانان باشد، فرزندان نیز از آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی مصون می‌مانند و درونی شدن ارزش‌های دینی، به ویژه حجاب باعث می‌شود آنان در برابر این کژی‌ها مقاومت بیشتری داشته باشند و کمتر در دام بیفتند.

حال، برای شروع چه باید کرد؟ از چه روش‌هایی می‌توان استفاده کرد؟ مؤثرترین روش‌ها و عوامل کدام‌اند؟ پاسخ به این پرسش‌ها، موضوع و محتوای این نوشتار می‌باشد.

### ضرورت داشتن روش

روش‌شناسی و بررسی شیوه‌های تربیتی در نظام تربیتی اسلام، جایگاه ویژه‌ای دارد. در واقع، درخت پرثمر تربیت آنگاه به بار می‌نشیند که نظریه‌های تربیتی در قالب شیوه‌های صحیح و درست به اجرا درآید. برای موفقیت در هر کاری، آگاهی از اسباب و وسایلی که بتواند سریع و آسان ما را در رسیدن به هدف یاری کند، لازم است. در قرآن کریم آمده است:

... لَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَ  
أَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.<sup>8</sup>

نیکوکاری بدان نیست که از پشت دیوار به خانه درآیید (چه، این کار ناشایست است). نیکی آن است که پارسا باشید و در هر کاری از «راه» آن وارد شوید.

در تفسیر آیه فوق گفته‌اند که «وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» یعنی، باید هر کاری را از راه خودش انجام داد.<sup>9</sup>

می‌توان فهمید که حضرت علی<sup>7</sup> سفارش می‌کند که ای مردم، آن کس که

راه آشکار پیماید، به آب درآید و آن کس که بیراهه را در پیش گیرد، در بیابان بی‌نشان می‌افتد. بنابراین، هر علمی شیوه و روش ویژه خود را دارد که اگر درست استفاده شود، نتایج مطلوبی خواهد داشت. تعلیم و تربیت نیز چنین است و مربیان و والدین می‌توانند با شناسایی بهترین شیوه‌ها و روش‌ها، در رسیدن به اهدافشان از آن بهره ببرند.

گر اصلی کش نبود آغاز گوش      لال باشد کی کند در نطق جوش  
زان که اول سمع باید نطق را      سوی منطق از ره سمعش درآ  
ادخلوا الابیات من ابوابها      و اطلبوا الاغراض فی اسبابها<sup>10</sup>

## روش‌های نهادینه‌سازی حجاب و عفاف

### 1. روش تشویق

یکی از روش‌های بسیار مؤثر در نهادینه کردن حجاب و عفاف در کودکان، تشویق است. تشویق، شیوه‌ای مناسب برای انگیزش به سوی کارهای مثبت می‌باشد و کودک و نوجوان را به انجام رفتار نیک تحریض و ترغیب می‌کند. امیرالمؤمنین علی<sup>7</sup> درباره نقش پاداش و کیفر در تربیت آدمی می‌فرماید: «خدای سبحان، پاداش را بر طاعت و کیفر را بر معصیت خود قرار داده است تا بندگان را از عذاب خویش باز دارد و به سوی بهشت روانه سازد».<sup>11</sup>

مقصود از تشویق، پاسخ مثبت در برابر رفتار مطلوب کودک (متربی) است که آن را به صورت ابراز مهرورزی، واگذاری مسئولیت مناسب به کودک، دادن پاداش و... می‌توان نشان داد. تنبیه، نقطه مقابل تشویق است. مقصود از تنبیه پاسخ منفی به رفتار نامطلوب متربی است که با نگاه سرد به کودک هنگام عمل منفی، روی برگرداندن از او، بی‌اعتنایی به کودک هنگام انجام عمل نامطلوب، تغییر

چهره، محروم کردن کودک از چیزهایی که دوست دارد، جریمه کردن و... می‌توان آن را ابراز کرد.<sup>12</sup>

ابن سینا، فیلسوف و اندیشمند بزرگ اسلام، تشویق را ضمانت اجرای تعلیم و تربیت و مصادیق تشویق و تنبیه را متنوع و متعدد می‌داند. وی معتقد است که واکنش مربی در برابر رفتار ناپسند متربی باید متناسب و تدریجی باشد؛ ابتدا روگردانی، سپس ترش‌رویی، پس از آن ترساندن و آنگاه توبیخ است و مربی در شرایط خاص می‌تواند به تنبیه بدنی روی آورد.<sup>13</sup>

برای برانگیختن کودکان و نوجوانان به سوی حجاب، بهتر است روش اصلی، تشویق باشد؛ زیرا تعلیم و تربیت اسلامی بر سهولت، محبت و ملامت تأکید دارد و از سوی دیگر، با تشویق می‌توان انگیزه و میل کودک به مهر و محبت و قدردانی را تأمین و اعتماد او را جلب کرد. اگر تشویق، مؤثر نباشد و خطا و تخلفی از متربی سر بزند، برای آگاهی دادن به او و جلوگیری از اهمال کاری در انجام امور دینی، می‌توان ابتدا به انداز و سپس به تنبیه روی آورد. منظور از تنبیه در اینجا تنبیه بدنی نیست؛ بلکه استفاده از روش‌هایی است که کودک را از انجام کارهای نامطلوب (مثل نماز نخواندن) ناخشنود کند؛ بی‌توجهی، قهر کوتاه مدت، سرزنش، محروم‌سازی و امثال آن از شیوه‌های تنبیهی است که بهتر است جایگزین تنبیه بدنی شود.<sup>14</sup>

#### تشویق و نهادینه شدن حجاب

یکی از سرمایه‌های فطری و ذخایر طبیعی که به مقتضای حکمت الهی در باطن انسان مستقر شده، انگیزه حب ذات است. هر کس بیش از هر چیز، به خود علاقه دارد و از روی فطرت عاشق و شیفته خویش است، به گونه‌ای که هیچ چیز در نظر آدمی به اندازه خودش عزیز و محبوب نیست. از سوی دیگر، خداوند عشق به

کمال مطلق و انزجار از نقص را در وجود انسان قرار داده و هر انسانی به صورت فطری متمایل به کامل تر شدن و پیشرفت است. تشویق باعث می شود کودک یا نوجوان از کار خود احساس لذت و از خود احساس رضایت کند، نتیجه این چرخه، تکرار رفتار است. تشویق، موجب پیدایش نشاط و رفع کسالت در فرد می گردد و وقتی این حالت ایجاد شد، اشتیاقش برانگیخته شده و زمینه رشد و کمال او فراهم می گردد.

#### نکته‌هایی درباره تشویق و تنبیه

برای جلوگیری از زیان‌ها و خطرات تنبیه که ممکن است برای کودک داشته باشد، رعایت این نکات اهمیت دارد:

الف) باید عمل (مثلاً حجاب و عفاف) را تحسین کرد، نه کودک را؛ یعنی باید او را متوجه کنیم که آنچه ارزشمند است، عمل و صفت اوست.

ب) تشویق باید به جا و به موقع و متناسب با نوع رفتار باشد و روحیه شخص در انتخاب شکل آن (زبانی، رفتاری، مالی، معنوی و...) در نظر گرفته شود. غزالی تفاوت‌های قابل توجه انواع تشویق و ترغیب را این گونه بیان می کند:

اگر کودک را گویند: به دبیرستان شو تا به درجه ریاست رسی، وی خود لذت ریاست نداند که چه باشد، لکن باید گفت: به دبیرستان شو تا شبانگاه، چوگان و گوی به تو دهم تا بازی کنی، تا کودک به حرص آن به دبیرستان شود و چون بزرگتر شود، وی را ترغیب کند به جامه نیکو و زینت، تا دست از بازی بردارد، چون بزرگتر شود، وی را به خواجگی و ریاست وعده دهد و گوید: جامه دیبا کار زنان باشد و چون بزرگتر شود، آنگاه گوید: خواجگی و ریاست



دنیا اصلی ندارد که همه به مرگ تباه شود. آنگاه وی را به

پادشاهی جاوید وعده دهد.<sup>15</sup>

(ج) تشویق باید باعث ترغیب دیگران شود، نه موجب دل‌سردی آنان.

(د) تشویق باید به اندازه و معقول باشد و از حد تجاوز نکند؛ زیرا در این صورت موجب غرور شخص می‌شود، کمتر از اندازه نیز نباید باشد؛ زیرا نتیجه مطلوب خود را از دست می‌دهد.

(ه) تشویق وسیله ایجاد انگیزه است. بنابراین، نباید به صورت هدف درآید و تمام ذهن و فکر کودک را به خود مشغول سازد؛ زیرا در این صورت، نقش بازنده پیدا می‌کند.

هنگام تشویق باید علت آن را به کودک بگویید و این عمل باید به گونه‌ای باشد که او خود را مستحق آن ببیند و آن را در درون تأیید کند. تشویق در جمع اثر بیشتری دارد. در مورد تنبیه نیز باید به نکات مهمی توجه نمود که رعایت آنها در ترغیب کودکان و نوجوانان برای حفظ حجاب موثر است؛ این نکات عبارتند از:

(الف) تنبیه، از آخرین گزینه‌های تربیت است. بنابراین، بهتر این است که پس از سایر روش‌های تربیتی به کار گرفته شود. باید هدف تنبیه، تربیت فرزند باشد نه تخلیه روانی مربی یا والدین.

(ج) تنبیه کردن به صورت اخم، قهر کوتاه مدت و یا گرفتن امکانات (به صورت منطقی) باشد و از تنبیه بدنی خودداری شود.

(د) تنبیه باید به گونه‌ای باشد که کودک به اشتباه خود پی ببرد، نه اینکه باعث به وجود آمدن عقده‌های درونی در آنان شود.

(ه) تنبیه نباید باعث سرخوردگی کودک شود.

## 2. روش الگویی

یکی از شیوه‌های مؤثر در نهادینه کردن حجاب و عفاف، روش الگویی است. در این روش، فرد از افراد دیگر سرمشق و الگو می‌گیرد و از رفتار آنان پیروی و خود را با آنان همساز می‌کند. بنابراین، می‌توان گفت: الگو پیروی عینی و مشهود از یک اندیشه و عمل در جنبه‌های گوناگون، برای رسیدن به کمال است. داشتن الگوهای رفتاری و گفتاری برای کودکان و نوجوانان ضروری و مهم است؛ به گونه‌ای که نداشتن الگو مایه گمراهی و سردرگمی آنان می‌شود.

در این بحر جز مرد داعی نرفت      گم آن شد که دنبال داعی نرفت  
کسانی کز این راه برگشته‌اند      برفتند بسیار و سرگشته‌اند<sup>16</sup>

به طور طبیعی تربیت ابتدایی انسان با روش الگویی شکل می‌گیرد، کودک در چند سال نخست زندگی، همه کارهایش را از اطرافیان که در درجه اول، پدر و مادر اویند، الگو برداری می‌کند، با تقلید از آنان رشد می‌کند و ساختار تربیتی‌اش سامان می‌یابد. از این رو، روش الگویی در سازمان دادن شخصیت و رفتار کودک، نقش زیادی دارد.

غریزه تقلید، از غرایز نیرومند و ریشه‌دار انسان است، به دلیل وجود همین غریزه کودک بسیاری از آداب و رسوم زندگی فردی و اجتماعی مثل غذا خوردن، لباس پوشیدن، سخن گفتن، ادای کلمات و جمله‌ها را از پدر و مادر و سایر اطرافیان فرا می‌گیرد و به کار می‌بندد. چشم و گوش کودک چون دریچه‌ای باز است؛ می‌بیند و می‌شنود و ذهنش مانند آینه‌ای است که رفتار والدین را تقلید می‌کند.

الگوهای عملی خانواده، مانند پوشش و حجاب پدر و مادر تأثیر ژرفی بر رفتار کودک دارد. در واقع پدر و مادر با اعمال و رفتار مناسب و به شکل غیر کلامی، ارزش‌ها و هنجارها را از ابتدا در شخصیت کودک ایجاد می‌کنند. والدین و مربیان

باید فعالیت‌ها و رفتارهای دینی و مذهبی خود را به گونه‌ای انجام دهند که فرزندان متوجه شوند و الگوی ذهنی آنان را در انجام این امور شکل دهند.

باندورا در مورد تقلید و تکرار رفتار الگو، پژوهش جالبی انجام داده است، وی کودکان مهد کودکی را به پنج گروه تقسیم کرد. در گروه آزمایشی اول، کودکان به مشاهده رفتار الگوی فرد بزرگ‌سالی می‌پردازند که به طور فیزیکی و لفظی به یک آدم پلاستیکی حمله می‌کند. در گروه دوم کودکان حوادث و رفتار فوق را در فیلمی مشاهده می‌کنند. در گروه آزمایشی سوم، کودکان رفتار تهاجمی شخصیت‌ها را در فیلم کارتونی می‌بینند. در گروه آزمایشی چهارم، کودکان در هیچ یک از سه موقعیت فوق قرار نمی‌گیرند و بالاخره در گروه آزمایشی پنجم، کودکان به مشاهده یک الگو با رفتار آرام، مطیع و غیرتهاجمی مبادرت می‌ورزند. بعد از مشاهده رفتارهای مختلف در زمان معین شده، تمام کودکان در موقعیت یکسانی قرار داده می‌شوند. آزمایش‌گر از طریق یک پنجره به مشاهده رفتار کودکان می‌پردازد و رفتارهای تهاجمی شفاهی و عملی آنان را یادداشت می‌کند. در تحلیل اطلاعات به دست آمده از یادداشت‌ها، این نتیجه حاصل شده است که الگوی پرخاشگری را که گروه‌های اول تا سوم دیده بودند، رفتار تهاجمی بیشتری نسبت به گروه چهارم (گروهی که هیچ موردی را مشاهده نکردند) از خود نشان می‌دهند و برعکس گروهی که (گروه پنجم) الگوی رفتار آرام، مطیع و غیرتهاجمی را مشاهده کرده بودند، رفتار تهاجمی کمتری نسبت به گروه کنترل (گروه چهارم که هیچ موردی را ندیده بودند) از خود نشان می‌دادند.<sup>17</sup>

کودک، مقلد خوبی است و به آسانی و بدون هیچ زحمت و مشقتی و فقط از راه تقلید، می‌آموزد. او می‌بیند، می‌شنود و پس از مدتی تکرار می‌کند. برخی پژوهش‌ها نشان داده است که در سن شش سالگی پسران از پدران آگاهانه تقلید

می‌کنند و دختران از مادران.

کودک در مسیر رشد، از افراد بسیاری الگو می‌پذیرد و از دیده‌ها و شنیده‌های خود تأثیر می‌گیرد، تأثیرپذیری از والدین بیش از همه اهمیت دارد که این تأثیرپذیری تا نوجوانی نیز تداوم دارد. بر این اساس، وظیفه پدر و مادر در این دوران بسیار سنگین است و باید به فرزندان فرصت بدهند تا از اخلاق و رفتار خوب آنان الگو بگیرند. اگر سخن ناروا خوب نیست، نباید در حضور فرزندان این‌گونه سخنان گفته شود، اگر از آنان انتظار کار خوب دارند، باید در کارهای نیک پیش قدم باشند و اگر می‌خواهند فرزندان نماز اول وقت بخواند، خود باید چنین کنند. والدین باید به گونه‌ای عمل کنند که فرزندان به آنان دید مثبت داشته باشند.<sup>18</sup>

بنابراین، اولیا و مربیان همواره این نکته را در نظر داشته باشند که با رفتار و گفتار درست خود می‌توانند الگوی شایسته‌ای برای متریبان باشند و از این راه، متریبان را به پیروی از رفتار مطلوب خود بخوانند.

#### الگو در قرآن و سیره معصومین<sup>9</sup>

در قرآن کریم نیز استفاده از الگو و اسوه، از مهم‌ترین روش‌های تربیتی است. قرآن، نمونه‌های زیادی را بیان کرده که نمایانگر تأثیر فراوان این روش در یادگیری و شکل‌گیری شخصیت انسان‌هاست. برای مثال، در داستان قابیل نقل می‌کند که برادرش هابیل را کشت، ولی نمی‌دانست با جسد برادر چه کند؟ خداوند کلاغی را فرستاد که مشغول کردن زمین شود و کلاغ مرده را دفن کند. قابیل از کلاغ آموخت که چگونه برادر را زیر زمین پنهان سازد.<sup>19</sup>

خداوند در قرآن به روشنی، رسول گرامی اسلام<sup>9</sup> را الگو معرفی می‌کند و می‌فرماید: قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست: برای آن

کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدارا فراوان یاد می کند.<sup>20</sup>  
حضرت علی <sup>7</sup> می فرماید: به سیرت پیامبرتان اقتدا کنید که برترین سیرت  
است و به سنت او بگرید که راهنماترین سنت است.<sup>21</sup>



آری پیامبر اسلام <sup>9</sup> الگویی شایسته برای اصحاب بود و چگونگی عبادت‌ها را از این روش به آنها می‌آموخت. از ابی‌حازم روایت شده است که روزی پیامبر <sup>9</sup> بر روی منبر نماز می‌خواند. وقتی نمازش تمام شد، رو به مردم کرد و فرمود: «ای مردم، من این کار را بدین خاطر انجام دادم که شما از من پیروی کنید و کیفیت خواندن نماز را از من یاد بگیرید.»<sup>22</sup>

امام صادق <sup>7</sup> نیز می‌فرماید: «يَحْفَظُ الْاَطْفَالَ بِصَلَاحِ آبَائِهِمْ»<sup>23</sup> رفتار کودکان در اثر خوبی‌های رفتار والدین حفظ می‌شود». بنابراین، وجود الگوهای پاک و سالم، انگیزه و میل به پاکی و آراستگی به فضایل را در جوامع ایجاد می‌کند و الگوهای ناپاک، جوامع را به سوی ناپاکی و پستی برمی‌انگیزد. تأکید زیاد بر نقش الگوها به این دلیل است که الگوها چون مقبول واقع شوند، دیگران را مطابق خود می‌سازند، چنان‌که هنر استاد، در جان شاگرد جای می‌گیرد.

#### مسئولیت الگوها

با توجه به نقش خطیر الگوها، مسئولیتی بس سنگین نیز متوجه آنهاست. والدین و مربیان زمانی می‌توانند از روش الگویی استفاده کنند و نتیجه بگیرند که این موارد را رعایت کنند:

الف) والدین پیش از توصیه به ارزش‌های دینی، باید خود در این کار پیش‌تاز باشند. امیرالمؤمنین علی <sup>7</sup> در این باره می‌فرماید:

هر که خود را پیشوای مردم سازد، باید پیش از تعلیم دیگران، به تعلیم خویش پردازد و باید تربیت‌کردنش، پیش از آنکه با زبانش باشد، با سیرت و رفتارش باشد و آنکه خود را تعلیم دهد و تربیت نماید، شایسته‌تر به تعظیم است از آنکه دیگری را تعلیم دهد و تربیت نماید.<sup>24</sup>

ب) مریبان و والدین تلاش کنند به صورت عملی و رفتاری، کودکان را به مسایل دینی دعوت کنند. امام صادق<sup>7</sup> به این مطلب توجه می‌دهند و می‌فرماید: «مردم را با رفتار خویش به حق دعوت کنید نه با زبان خویش».<sup>25</sup>

والدین می‌توانند با ابتکار عمل از الگوهای غیرجاندار برای کودکان و نوجوانان، الگوهای هدفمند و معنادار بسازند. برای مثال، وقتی برای کودک خود عروسک می‌خرند، چادر یا مانتو زیبا و جذابی هم برای عروسک بخرند.

ج) والدین همواره باید مراقب باشند که گفتار و رفتار دوگانه نداشته باشند.  
د) اشتیاق مریبان و والدین در انجام مسایل دینی باید نسبت به کودکان و نوجوانان بیشتر باشد. فریده مصطفوی، فرزند حضرت امام خمینی (ره) در خاطرات خود می‌گوید:

امام (ره) ما را مقید می‌کردند معصیت نکنیم و مؤدب به آداب اسلامی باشیم. به‌خصوص مقید بودند ما حجاب شرعی را حفظ کنیم و در منزل حق هیچ‌گونه گناهی از جمله غیبت، دروغ، بی‌احترامی به بزرگ‌ترها و توهین به مسلمانان را نداشتیم. ما عملاً این درس‌ها را از امام (ره) آموخته بودیم. با این شیوه و روش بود که ما ارزش‌های اسلامی را فرا گرفتیم و از نظر تربیتی، خود ایشان برای ما الگو بودند؛ چون وقتی کاری را به ما می‌گفتند انجام ندهید و ما می‌دیدیم که خودشان آن کار را انجام نمی‌دهند، برای خانواده الگوی بسیار خوبی بودند.<sup>26</sup>

ه) با توجه به اینکه محیط‌ها و گروه‌های هم‌سن تأثیر زیادی بر یکدیگر می‌گذارند؛ بهتر است والدین و مریبان با آگاهی از نگرش این گروه‌ها، آمادگی

ذهنی و رفتاری متربی را تقویت نمایند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



### 3. روش محبت

انسان از انس اشتقاق یافته و به انس و محبت سخت نیازمند است؛ زیرا نه تنها نیاز طبیعی او تأمین می‌گردد، بلکه مهم‌ترین عامل سلامت روح او نیز به شمار می‌آید و فقدان آن موجب ناهنجاری‌های روانی است. بنابراین، تعلیم و تربیت مبتنی بر محبت سازنده، موفق و تأثیرگذار خواهد بود.<sup>27</sup>

یکی از ابزارهای تربیتی که می‌تواند ما را در نهادینه کردن عفاف و حجاب در فرزندان یاری کند، محبت است که اثر آن بر روی فرد تربیت‌شونده عمیق و درازمدت می‌باشد. در این مدت، والدین می‌توانند نظریات تربیتی خود را به فرزند القا کنند و تغییر رفتار را در آنان مشاهده نمایند.

در دین اسلام، محبت اساس و رکن جذب و هدایت است. ادیان الهی از محبت، به دل‌ها رسوخ کرده و راسخ می‌مانند. از مهم‌ترین و مؤثرترین روش‌های پیامبر اکرم<sup>9</sup> استفاده از این روش بوده است؛ زیرا با این روش، هم برای افراد جاذبه ایجاد می‌کرد و هم انگیزه آنها را افزایش می‌داد. اگر پیامبر اکرم<sup>9</sup> این روش را پی نمی‌گرفت، اعراب بادیه‌نشین به گردش جمع نمی‌شدند تا به تربیت و فرهنگ دین پناه آورند. حضرت علی<sup>7</sup> درباره اهمیت و تأثیر این روش می‌فرماید: «دوستی ورزیدن، نیمی از خرد است»<sup>28</sup>. و در جای دیگر می‌فرماید: «دوستی ورزیدن پیوند با مردم را فراهم می‌آورد»<sup>29</sup>.

نیروی محبت از نظر تربیتی، نیروی عظیم و کارساز است و بهترین تربیت، آن است که بدین روش تحقق یابد؛ زیرا محبت با فطرت و سرشت آدمی سازگاری زیادی دارد و پذیرش، درونی و بدون هیچ تحمیلی است. ضرورت و اهمیت به کارگیری روش محبت از این‌روست که محبت، اطاعت‌آور است و سبب

همسانی و همراهی فرزند با والدین و مربی می‌شود. از حضرت علی % نقل شده است که:

«از رسول خدا ﷺ درباره روش و سنت آن حضرت پرسیدم، فرمود: محبت، بنیاد و اساس (روش و سنت) من است»<sup>30</sup>.

به نرمی ز دشمن توان کرد دوست  
چو با دوست سختی کنی دشمن اوست  
به اخلاق با هر که بینی بساز  
اگر زبردست است، اگر سرافراز  
به شیرین زبانی توان برد گوی  
که پیوسته تلخی برد تند روی<sup>31</sup>

### درونی شدن حجاب و عفاف در کودکان

میان محبت و اطاعت رابطه‌ای قوی وجود دارد؛ با ظهور محبت همرنگی و اطاعت پیدا می‌شود. محبت هر کسی که در دل آدمی بنشیند، مطیع و پیرو او می‌شود و از خواست او سرپیچی نمی‌کند. تا جایی که گفته‌اند: «الْإِنْسَانُ عَبِيدُ الْإِحْسَانِ»<sup>32</sup>. احسان و اظهار دوستی، می‌تواند بشر را تا مرز بندگی پیش برد و این نتیجه طبیعی محبت‌ورزی نسبت به انسانی است که فطرت بشری خویش را از دست نداده باشد. اگر والدین و مربیان بین کودکان و نوجوانان رابطه‌ای همراه با مهر و محبت برقرار کنند، بین خود و کودک، حوزه‌ای عاطفی ایجاد خواهند کرد که توجه کودک جلب می‌شود. در این هنگام در برابر دستورها و راهنمایی‌ها پاسخ‌های مثبتی از خود نشان می‌دهد و در صورت دوام این رابطه آموزه‌های دینی (حجاب و عفاف) در کودک و نوجوان به صورت ارزش درمی‌آید و در او نهادینه می‌شود. سعدی معتقد است تأثیر محبت و مهرورزی و احسان، معجزه آسا است، به گونه‌ای که افزون بر انسان، بر حیوانات نیز تأثیر گذار است. او در این باره می‌گوید:

به ره در یکی پیشم آمد جوان  
به تگ در پی اش گوسفندی روان

بدو گفتم این ریسمان است و بند  
 سبک، طوق و زنجیر از او باز کرد  
 هنوز از پی‌اش تازیان می‌دوید  
 چو باز آمد از عیش و شادی به جای  
 نه این ریسمان می‌برد با منش  
 به لطفی که دیدست پیل دمان  
 که می‌آرد اندر پی‌ات گوسفند  
 چپ و راست پویدن آغاز کرد  
 که جو خورده بود از کف مرد و خوید  
 مرا دید و گفت: ای خداوند رای  
 که احسان، کمندیست در گردن-ش  
 نیارد همی حمله بر پیلبان<sup>33</sup>

احساسات عاطفی و اخلاقی از اصول مهمی است که باید بین کودک و پدر و مادر یا بزرگسال وجود داشته باشد؛ زیرا هر یک نقش مهمی در سازندگی شخصیت کودک دارند و اگر این اصول بر پایه درستی در محیط خانواده استوار نباشد، بدون تردید ناهنجاری در رفتار و اخلاق کودک بوجود می‌آید.<sup>34</sup>

ژان ژاک روسو در کتاب *امیل* در این باره می‌گوید:

كودك داراي شخصیت مستقلی است. او نباید به طور آشکار و جابرانه تحت فرمان قرار گیرد. پدر و مادر باید با او مانند دوست و موافق باشند و یا لاقلاً نباید بدانند که تحت فرمان قرار گرفته است و بایستی فرمان او را بپذیرد. فرزندان نباید فکر کنند که پدران و مادران به آنان دستور می‌دهند. فرمان، اگر دوستانه باشد، کودکان با والدینشان دوست می‌شوند. در واقع محبت، نیاز مستمر و همیشگی کودک است و همواره باید کودک را با محبت کردن، همراه خود کرد.

بر این اساس، می‌توان گفت نگرش مثبت فرزندان به مذهب و امور دینی، ریشه در مهرورزی و محبت والدین دارد. آنان می‌توانند محیطی آکنده از مهر و

محبت بر پاک‌کنند و در ذهن کودک تجربه خوشایندی از عفاف و حجاب ایجاد نمایند. محبت‌ورزی نیز شرایطی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:



الف) محبت به کودک باید راستین باشد.  
ب) محبت را باید از دل به زبان آورد تا فرزند آن را لمس کند. ممکن است پدر و مادری فرزند خود را دوست داشته باشند، ولی اظهار نکنند. این محبت تأثیر چندانی ندارد.

ج) محبت به فرزندان باید یکسان و عادلانه باشد.

د) محبت نباید مانع امر و نهی گردد.

ه) محبت به کودک باید معقول و به اندازه صورت گیرد.

#### 4. روش بصیرت‌بخشی

«بصیرت» یعنی، قوه‌ای در قلب، نورانی به نور قدسی است که به واسطه آن حقایق و بواطن را می‌بیند؛ همان‌طوری که چشم، صورت اشیا را می‌بیند.<sup>35</sup>  
دکتر شرفی در کتاب تربیت اسلامی با تأکید بر دیدگاه امام خمینی (ره) بصیرت در تربیت را این‌گونه معرفی می‌کند: «در حقیقت، بصیرت یا بینش به طرز تلقی آدمی از امور و حوادث نیز اطلاق می‌شود و به تعبیری دیگر بینش، نوعی آگاهی عمیق و گسترده است».

در مکتب تربیتی اسلام برای بهره‌گیری بیشتر از دین و حاکم ساختن آن بر حیات عادی و مبارزه با دیانت تقلیدی و تهدید و تعدیل آن، پیش از هر کاری، همگان به اندیشیدن در مفاهیم و مبادی دین و کشف حقایق دین الهی از میان ادیان سنتی و موروثنی دعوت می‌شوند، تا از تقلید و متابعت کورکورانه از آبا و اجداد پرهیزند؛ چنان‌چه قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ»<sup>36</sup> بدترین جنبنندگان نزد خداوند کسانی هستند که تعقل نمی‌کنند و از استماع و اظهار حق عاجز و ناتوانند».

یکی از محورهای اساسی در تربیت، توجه به روش معرفت و بصیرت است.

معرفت و بصیرت نوعی آگاهی ژرف و گسترده است که نتیجه آن ایجاد پیوند بین انسان و واقعیت مورد نظر می‌باشد. در قرآن کریم نیز این روش مورد تصریح قرار گرفته، می‌فرماید:

قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ  
فَعَلَيْهَا.<sup>37</sup>

آیات الهی و کتب آسمانی که سبب بصیرت شماست، البته از طرف خدا آمد. پس هر کس بصیرت یافت، خود به سعادت رسید و هر کس کور بماند در زیان افتاد.

انسان، بدون بصیرت و آگاهی نمی‌تواند تکالیف الهی را بشناسد تا به انجام آنها تن در دهد و به هدف حیات خویش برسد. پیامبر اکرم<sup>9</sup> در این مورد می‌فرماید: «لیس الاعمی من یعمی بصره انما الامی من تعمی بصیرته؛<sup>38</sup> کور آن نیست که چشم او نتواند ببیند، بلکه کور کسی است که بصیرتش کور باشد».

#### شناخت بصیر

در روایات، بصیر به کسی گفته می‌شود که پس از شنیدن سخن به تفکر می‌پردازد و پس از مشاهده امور درباره آنها می‌اندیشد. او از پندهایی که در حوادث است، عبرت می‌گیرد و تلاش می‌کند در راهی که نشانه‌های روشنی دارد، سیر کند؛ در اثر درک و بینش درونی، حالتی برای او ایجاد می‌شود که از افتادن در مهالک پرهیز می‌کند. سوق دادن به سوی نور و روشن نمودن دل انسان‌ها که وظیفه پیامبران الهی بوده است، بر مبنای بصیرت صورت می‌گرفت؛ زیرا در شناختی که بر مبنای بصیرت و آگاهی و اندیشه حاصل شده باشد، انحراف و کج‌روی نیست. در مسئله حجاب نیز باید شناختی صحیح از انسان، زن و فلسفه عفاف و حجاب داشت؛ زیرا هنگامی که فرد از فلسفه و سود و زیان موضوعی آگاه شود، با قدرت

تشخیص خود خیر و صلاح خویش را انتخاب می کند، همان طور که خداوند با فرستادن انبیا به آموزش و افزایش شعور و آگاهی انسان پرداخته است. بنابراین، اساسی ترین مرحله در نهادینه کردن فرهنگ حجاب و عفاف، آموزش کودکان و نوجوانان است. اگر والدین بخواهند عفاف، این مایه آرامش و زیبایی زندگی آینده کودکان و نوجوانان، در وجود آنان نهادینه شود، باید به کودکان مزایا و فواید عفاف و پاک دامنی را بیاموزند و چرایی این کار را به زبان ساده برایشان تبیین کنند. اگر پدر و مادر به شیوه ای صحیح، دگرگونی درونی در کودک ایجاد کنند، تغییر رفتار و ترغیب او به حفظ حجاب را خواهند دید.

محقق و فاضل نراقی بسیاری از رفتارهای نابهنجار، غیراخلاقی و غیردینی را از بی بصیرتی و نداشتن بینش صحیح تربیتی در مسایل اعتقادی، فکری، اخلاقی و اجتماعی و نیز نداشتن شناخت وافی در رفتار و انگیزه ها و آثار و عوارض آنها می داند و معتقدند با دادن بینش و شناخت درست، می توان تربیتی را تربیت کرد و اخلاق وی را اصلاح نمود و از وقوع مشکلات روانی، رفتارهای زشت، و سرنوشتی ناخواسته پیش گیری کرد.

این دو مربی و اندیشمند اسلامی در همه جنبه های تربیتی، به ویژه تربیت اخلاقی، بر این روش تأکید دارند و آن را پیش از روش های دیگر بیان می کنند و اعتبار آن را زیربنایی می دانند.

محقق و فاضل نراقی برای تحقق بینش در تربیتی سفارش می کنند که مربی کارهای ذیل را انجام دهد:

الف) تربیتی را از آیات و احادیث در ستایش یا نکوهش صفات و رفتارهای مورد تعلیم و تربیت آگاه سازد و آثار و عوارض آنها را که در قرآن و کلام معصومان آمده است، به وی آموزش دهند و از وی بخواهند درباره آنها بیاندهد.

ب) شناخت کافی از فضیلت و رذیلت به او بدهد و زیبایی و زشتی صفت یا رفتار را بیان نماید تا مربی، به تشخیص درست از نادرست و اخلاق و رفتار نیک از اخلاق و رفتار ناپسند برسد و زیبایی یا زشتی رفتارش را بیابد.

ج) ارتباط عینی بین کمال، شرافت و رفتار مطلوب با قوت و عزت نفس را برای مربی آشکارا بیان کند و رابطه نقصان، بیماری‌های روانی و صفات و رفتارهای ضدارزشی را با ضعف و ذلت نفس بگوید.

در یکی از تحقیقات، از میان پانصد نفر بانوی کم‌حجاب، اظهارات 80% آنان نشان داد که بی‌اطلاعی از فواید و آثار پوشیدگی و پیامدهای ناپوشیدگی، اصلی‌ترین عامل کم‌حجابی ایشان است. هرچند انگیزه‌های دیگری نیز در رفتار آنان تأثیر داشته است.<sup>39</sup>

د) از علل و اسباب بروز صفت یا رفتاری که ناخواسته از مربی صادر شده، پرده بردارد تا او به درک درستی از آنچه انجام داده، برسد و در آینده از چنین رفتارهای ناخواسته‌ای پیش‌گیری کند.

برخی دختران بی‌تفاوت به حجاب، از خانواده‌های مذهبی‌اند که مادران در توجیه و تربیت آنان موفق نبوده‌اند. در نظرخواهی از این مادران، آنها گفته‌اند که با وجود اعتقاد به خوبی حجاب، نتوانسته‌اند دلایل قانع‌کننده‌ای برای فرزندانشان بیاورند.<sup>40</sup>

ه) شناخت درستی از عظمت، عزت، قدرت، محبت، رضایت، خشم، عدالت و رحمت خداوند و قضا و قدر به کودک بدهد تا با بینش صحیح، راه بندگی و صراط مستقیم را برای رسیدن به هدف عالی تربیت پیماید و اگر عملکرد نادرستی داشت، مأیوس نشود و راه صلاح را طی نماید.<sup>41</sup>



## آثار بینش

- بینش، نگاه فرد را از سطح و پوسته رویدادها به عمق و باطن آنها می‌برد؛
- بصیرت و بینش موجب تعادل و ثبات روح فرزندان می‌شود تا در رویارویی با حوادث و عوامل تهدیدکننده، معنویت، کمتر آسیب ببیند؛
- بینش درست، مشکلات و سختی‌ها را آسان جلوه می‌دهد.

### 5. روش قصه‌گویی

یکی از ابزار تعلیم و تربیت، داستان است. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که داستان و قصه، وسیله‌ای رایج و عمومی در بین همه اقوام و ملل بوده است و در هر دوره، نقلانی حرفه‌ای در مجامع عمومی، قصه می‌گفته‌اند. یونانیان قدیم فرزندان خود را از کوچکی به حفظ داستان‌های «ایلیاد و اُدیسه» وادار می‌کردند. افلاطون، ارزش و اهمیت داستان‌ها و افسانه‌ها را در تربیت کودک دریافته است و می‌گوید:

پس باید پرستاران و مادران را وادار کنیم که فقط حکایاتی را که پذیرفته‌ایم برای کودکان نقل کنند و متوجه باشند که پرورشی که روح اطفال به وسیله حکایات حاصل می‌کند، به مراتب بیشتر از تربیتی است که جسم آنها به وسیله ورزش پیدا می‌کند.<sup>42</sup>

بسیاری از ادیبان، نویسندگان، فیلسوفان و عالمان اخلاق که به قدرت قصه آگاه بوده‌اند، باورهای خود را در این قالب بیان کرده‌اند. بوعلی سینا در قصه حی بن یقضان بسیاری از مضامین بلند عرفانی را آورده است و غزالی فراوان در کتاب کیمیای سعادت از حکایت و تمثیل بهره جسته است.

## اهمیت قصه در قرآن

قصه در قرآن، بازگو کردن سرگذشتی است که از واقعیات عینی زندگی بشر حکایت دارد تا برای آیندگان عبرت باشد. قرآن، خودش را منبع داستان معرفی می‌نماید و می‌گوید:

و كَلَّا نَقْصُ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ وَ جَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَ مَوْعِظَةٌ وَ ذِكْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ<sup>43</sup>.

و هر یک از سرگذشت‌های پیامبران [خود] را که بر تو حکایت می‌کنیم، چیزی است که دلت را بدان استوار می‌گردانیم، و در اینها حدیث برای تو آمده، و برای مومنان اندرز و تذکری است.

آیات قرآن نشان می‌دهد که اهداف قصه‌های قرآن در محورهای زیر خلاصه

می‌شود:

الف) تربیت و آموزش از طریق القاء غیرمستقیم؛

ب) عبرت و اندیشیدن؛

ج) بیان حقایق و احیای تفکر دینی صحیح بر مبنای زدودن خرافات؛

د) شاهد صدق نبوت و ایجاد زمینه گسترش دعوت؛

ه) آرامش خاطر پیامبر و امیدآفرینی در دل‌های مؤمنین با نوید موفقیت.

## تأثیرگذاری داستان بر انسان

قصه غیرمستقیم در ژرفای روح کودک و نوجوان تأثیر می‌گذارد. داستان‌نویس و قصه‌گو، ضمن بیان وقایع مهم اقوام، ملل و شخصیت‌های مهم تاریخ، روح خواننده و شنونده را همراه خویش تا عمق تاریخ می‌برد و الگوهایی را نشان می‌دهد تا از گفتار و رفتارشان سرمشق بگیرد و پیروی کند. تأثیرگذاری قصه و داستان، غیرمستقیم و نادیدنی است؛ به طور غیرمستقیم راه را نشان می‌دهد و هدایت

می‌کند، عبرت می‌دهد، موعظه می‌کند، تشویق می‌نماید، می‌ترساند و امیدوار می‌کند.

شنیدن قصه از کارهای مورد علاقه کودکان و نوجوانان است. آنها با هیجان زیاد به داستان گوش می‌دهند و خود را در اختیار قصه‌گو قرار می‌دهند و تأثیر لازم را از او می‌پذیرند. قصه، نه فقط پیام‌های مفیدی برای کودک دارد، بلکه اگر جذاب و مناسب، طراحی و بیان شود، کودک و نوجوان می‌کوشد خود را با شخصیت‌های آن قصه همانند سازد.<sup>44</sup> والدین و مربیان می‌توانند با بیان داستان‌های مربوط به امام زمان (عج) و یاورانش، زمینه رشد شناخت کودک را فراهم سازند، با قصه‌های آموزنده و جذاب به ساخت الگوی معنوی ذهنی آنان پردازند و زمینه علاقه و انگیزه آنان را در انجام مسایل معنوی فراهم آورند. در این صورت، نوعی اشتیاق در او ایجاد می‌شود و در نتیجه کودک و نوجوان از انجام اعمال دینی احساس رضایت می‌کند که این رضایت باعث درونی شدن عمل اخلاقی در وجودش می‌شود.

### نتیجه

آشنا کردن کودکان و نوجوانان با معارف و ارزش‌های دینی و مذهبی یکی از اصول مهم تعلیم و تربیت اسلامی است و روز به روز با گسترش زندگی اجتماعی، علمی و سیاسی، ضرورت آن بیشتر احساس می‌شود. بنابراین، یکی از محورهای مهم و اصلی تربیت باید عمق بخشیدن به آموزه‌های دینی در کودکان و نوجوانان باشد؛ زیرا در این صورت است که فرزندان از گونه‌گونه آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی مصون می‌مانند. بسیاری از شرارت‌ها که دختران و زنان جامعه می‌بینند، از نداشتن حجاب و عفاف آغاز می‌شود. درونی کردن این ارزش بین دختران و زنان باعث می‌شود آنان در برابر این انحراف‌ها، مقاومت بیشتری داشته باشند.

مناسب‌ترین زمان برای درونی کردن ارزش‌های اسلامی و تربیت دینی فرزندان دوره کودکی و نوجوانی است؛ زیرا روح آنان در این زمان انعطاف زیادی دارد و هر چه انسان بزرگ‌تر می‌شود از این انعطاف کاسته می‌شود و با توجه به اینکه کودک در این دوران حساسیت‌ها و لطافت‌های ویژه‌ای دارد، باید از بهترین شیوه‌ها بهره‌گرفت تا نتایج مفید و مؤثر به دست آید. یکی از روش‌های بسیار مؤثر در تربیت، تشویق کارهای خوب کودکان و نوجوانان است. تشویق، راهی مناسب در ایجاد انگیزه حفظ حجاب و عفاف می‌باشد. تشویق در روح آنان اثر می‌گذارد و آنها را برای انجام اعمال نیک برمی‌انگیزد. یکی دیگر از شیوه‌ها روش الگویی است. در این روش فرد، از دیگران سرمشق و الگو می‌گیرد و از رفتار آنها پیروی نموده، خود را با آنها همساز می‌کند.

بصیرت‌بخشی یکی از عوامل بسیار مهم در جذب افراد می‌باشد که اثر آن بر روی تربی عمیق و درازمدت می‌باشد. در این مدت مربی می‌تواند نظریات تربیتی خود را به کودک القا کند و تغییر رفتار را در کودک ببیند. داشتن بینش و آگاهی در انجام کاری، دوام و قوام آن کار را بیشتر خواهد کرد. بنابراین، روش بصیرت‌بخشی، روش مؤثری برای نهادینه کردن حجاب و عفاف در کودکان و نوجوانان است. با قصه‌گویی نیز می‌توانیم در روح کودک نفوذ کنیم و با بیان قصه‌های آموزنده و جذاب، کودکان را با شخصیت‌های قصه همانند سازیم.

پی نوشت

1. حسین نوری طبرسی، المستدرک الوسایل و مستنطب المسایل، ج 15، بیروت، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، 1408، ص 164.
2. نهج البلاغه، خطبه 166.
3. همان، نامه 31.
4. محمدبن یعقوب کلینی، کافی، ج 6، ص 47.
5. زان پیازه و پیر هانری سیمون، روان شناسی کودک و اصول تربیتی جوانان، ترجمه عنایت الله شکیبیاپور، تهران، کتاب فروشی نیما، 1396، ص 119.
6. مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، قم، انتشارات صدرا، 1371، صص 79 و 80.
7. همان
8. بقره: 189
9. ترجمه تفسیر المیزان، ج 3، ص 80.
10. جلال الدین محمد مولوی، مثنوی معنوی، تهران، انتشارات نگاه، 1372، دفتر اول.
11. نهج البلاغه، حکمت 368.
12. محمد بهشتی، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت، ج 2، تهران، انتشارات سمت، 1379، ص 240.
13. رک: علی حسینی زاده، سیره تربیتی پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ص)، ج 2، تهران، انتشارات حوزه و دانشگاه، 1377، ص 287.
14. احمد احمدی، اصول و روش های تربیت در اسلام، انتشارات واحد، فوق برنامه بخش فرهنگی جهاد دانشگاهی، 1380، ص 143.
15. محمد عطاران، آرای مریبان بزرگ مسلمان درباره تربیت کودک، تهران، وزارت آموزش و پرورش، 1379، ص 59.
16. مصلح الدین سعدی، بوستان.
17. حسن شعبانی، مهارت های آموزشی و پرورشی، تهران، انتشارات سمت، 1371، ص 63.
18. جمعی از نویسندگان، مجموعه مقالات نماز و خانواده، ج 1 و 2، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، 1386، ص 234.
19. رک: مانده: 31

20. احزاب: 21
21. نهج البلاغه، خطبه 116.
22. کنز العمال، ج 7، ص 201.
23. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 68، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1403 هـ.ق، ص 236، به نقل از تفسیر عیاشی.
24. غرر الحکم، حدیث 7016.
25. قرب الاسناد، تهران، انتشارات نینوا، ص 37.
26. فریده مصطفوی، «برداشت‌هایی از سیره امام خمینی»، پیام زن، خرداد 1371، شماره 3.
27. آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت، ج 4، ص 54.
28. نهج البلاغه، حکمت 211.
29. همان، حکمت 211.
30. المستدرک الوسایل و مستنبط المسایل، ج 11، ص 173.
31. بوستان
32. شرح غرر الحکم، ج 7، ص 69.
33. همان
34. روان‌شناسی کودک و اصول تربیتی جوانان، ص 130.
35. التعریفات، ص 20.
36. انفال: 22
37. انعام: 104
38. نهج الفصاحه، گردآوری ابوالقاسم پاینده، انتشارات دنیای دانش، ح 2373، ص 362.
39. یوسف غلامی، «مبلغان و پدیده کم حجابی»، سایت باشگاه اندیشه.
40. همان
41. آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت، ج 4، ص 263.
42. آرای مریبان بزرگ مسلمان درباره تربیت کودک، ص 123.
43. هود: 120
44. مجموعه مقالات نماز و خانواده، ج 1، ص 249.